



قاچاق کالا و ارز از منظر اصول فقه

پدیدآورنده (ها) : ذوالفقارطلب، مصطفی

اقتصاد :: نشریه اقتصاد پنهان :: دی ، اردیبهشت ۱۳۹۶، سال اول - شماره ۶ و ۷

صفحات : از ۳۵ تا ۷۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1516872>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- دادرسی عادلانه و شیوه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
- ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا
- قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور
- نگاهی به پدیده ی قاچاق کالا در ایران؛ چه کالاهایی بیشتر قاچاق می شوند؟
- نقش ناجا در مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- رویکرد واکنشی به قاچاق ارز در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و انتقادات وارد بر آن
- تحلیل اثرات اقتصادی - اجتماعی قاچاق کالا بر روستاهای مرزی منطقه سیستان
- پیشگیری اجتماعی از قاچاق کالا و ارز با رویکرد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- سیاست کیفری افتراقی در قبال قاچاق کالای سلامت محور
- پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ : چرایی، چیستی و چگونگی
- بررسی قاچاق کالا و تحلیل قانونی جرم آن
- قاچاق کالا و ارز در نظام جزایی ایران

عناوین مشابه

- قاچاق کالا و ارز از منظر منابع عقلی استنباط احکام در اصول فقه
- کاربرد قاعده لاضرر و لا ضرر در مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز از منظر فقه شیعه
- مسئله شناسی فرهنگی قاچاق کالا و ارز در بعد اجتماع و فرهنگ از منظر دینی
- طراحی الگوی بومی فرایند کنترل قاچاق کالا و ارز از منظر رفاه اجتماعی
- تبیین جلوه‌های انحراف از قواعد فقه کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- صحت و بطلان معاملات قاچاق کالا و ارز از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی
- اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» (اعاده شده از شورای نگهبان(۲))
- اصول اقتصاد مقاومتی از منظر امیرالمومنین علیه السلام و فقه اسلامی
- ناروایی تمسک به قاعده حکومت برای شمول اصل ۱۶۷ قانون اساسی بر دعاوی کیفری (بررسی موضوع از منظر قواعد اصول فقه و قانون مجازات اسلامی)
- اثر «نهی» نسبت به معاملات از منظر اصول فقه و حقوق ایران

نقدی بر سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق ارز (با تأکید بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

مجتبی ستوده گندشمین^{۱۴}، محمد جوانمرد^{۱۵}، مسعود مرشدی^{۱۶}

۱۴. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):
snow.man.1983@chmail.ir

۱۵. کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات و امنیت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین،
Yang.man80@gmail.com

۱۶. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گرایش جرم‌یابی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی
massuod.morshedy@yahoo.com- امین

چکیده

قاچاق ارز از پدیده‌های نابهنجار در کشورهای در حال رشد تلقی می‌گردد که مبارزه با آن، نیازمند تبیین یک راهبرد منسجم و اتخاذ سیاست کیفری مناسب است. قاچاق ارز عبارتست از خارج کردن ارز از کشور بطور مستقیم یا غیرمستقیم بدون رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی و یا وارد کردن ارز به کشور به شرط عدم اظهار میزان و نوع آن در اظهارنامه تسلیمی به مقامات ذیصلاح یا خرید و فروش هرگونه ارز در داخل کشور بدون تجویز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. مجازات قاچاق ارز باتوجه به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با اختلال در نظام اقتصادی کشور، حسب مورد اعم از اینکه قاچاق ارز به قصد ضربه زدن به نظام یا بدون قصد آن، عمده باشد یا غیرعمده، قاچاق سازمان یافته باشد یا نه متفاوت است. نکته مهم که باید به آن توجه کرد این است که قانونگذار، جرم قاچاق ارز را بسیار موسع تعریف کرده است، اما در تعیین مجازات آن رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده است. عدم تعیین مجازات صریح برای قاچاق ارزی داخلی (در مقابل قاچاق ارز ورودی و خروجی) مهمترین ابهامات و انتقاداتی است که بر ق.م.ق.ک وارد است. این مقاله با هدف بررسی مفاهیم قاچاق ارز در ق.م.ق.ک به روش اسنادی با ماهیت تحلیلی و توصیفی نگارش و ابتدا علاوه بر مفهوم سازی ارز و قاچاق ارز در قوانین، حسب نوع و نحوه قاچاق آن، مجازاتهای تعیینی تشریح و سپس انتقادات وارد بر تعریف قاچاق ارز و مجازاتهای پیش بینی شده تشریح شده اند.

واژگان کلیدی: ارز، قاچاق ارز، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق ارز سازمان

یافته، قاچاقچی حرفه‌ای ارز

مقدمه

قاچاق و قاچاقچیان، در سال‌های معاصر بیش از هر زمانی پروبال گرفته‌اند، اگر زمانی تا کلمه قاچاقچی به میان می‌آمد نگاه‌ها به سمت کانتینرهای حمل موادمخدر یا تانکرهای حمل سوخت می‌رفت، امروز دیگر نمی‌شود هیچ عرصه اقتصادی را پیدا کرد که قاچاقچیان در آن وارد نشده و فعالیت خود را در آن گسترش نداده باشند. از دارو و میوه گرفته تا پیچ‌گوشتی و کیف و کفش، تا ماشین‌آلات بزرگ صنعتی. قاچاقچیان به حدی فعالیتشان را گسترش داده‌اند که امروزه ردپای آن در بازار ارز نیز دیده می‌شود (کریمی، ۱۳۹۵: ۳۴).

قاچاق ارز یکی از پدیده‌های نابهنجار در کشورهای درحال رشد تلقی می‌گردد، بی‌شک مضار قاچاق ارز بر پیکره اقتصادی هر کشوری تدابیر لازم را برای مقابله و به تعبیر قانونگذاری «مبارزه» با آن را می‌طلبد و هرچه که این تدابیر بیشتر منطبق با واقع باشد، مهار آن آسانتر است. در کشوری مانند ایران که با توجه به فرهنگ و ارزش‌های حاکم ورود و خروج ارز به کشور بایستی تابع ضوابط و مقررات خاصی باشد تا هم فواید اقتصادی آن عاید کشور گردد و هم از غلبه فرهنگ اقتصادی جلوگیری گردد، اتخاذ تدابیر ویژه‌ای را می‌طلبد (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۳).

قاچاق ارز یعنی خارج کردن ارز از کشور بطور مستقیم یا غیرمستقیم از راه‌های هوایی، دریایی، زمینی بدون رعایت مقررات بانک مرکزی و یا وارد کردن ارز به کشور بشرط عدم اظهار میزان و نوع ارز در اظهارنامه تسلیمی به مقامات صلاحیتدار توسط مسافر، یا عدم درج در گذرنامه، به هنگام خروج از کشور یا سایر جرایمی که بحکم قانون قاچاق محسوب می‌گردد. (ولیدی، ۱۳۹۴: ۱۷)

مبارزه با قاچاق ارز و مصادیق آن، نیازمند تبیین یک راهبرد منسجم و سیاست‌کیفری مناسب است. پراکندگی قوانین و مقررات مربوطه و توسعه شبکه‌های قاچاق بین‌المللی و تنوع مصادیق قاچاق با توجه به روش‌ها و ابزار جدیدی که قاچاقچیان بکار می‌برند، ضرورت تدوین و تصویب قانون جامع و کارآ که با همه اشکال قاچاق

بتوان مبارزه کرد را الزامی نمود که ق.م.ق.ک مصوب ۹۲ این ضرورت را برطرف کرد. بر همین اساس، نگارندگان در مقاله حاضر درصدد آن هستند تا تعریف جرم قاچاق ارز در کشور از این منظر مورد بررسی و اصلاحات لازم در آن پیشنهاد شود. در ادامه ابهامات موجود در قانون مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. تعریف ارز

ارز در لغت به معنی قیمت، بهاء و نرخ است (عمید، ۱۳۸۸: ۱۰۳) در اصطلاح بانکداری، ارز بمعنی پول خارجی که در داخل یک کشور با استفاده از پول داخلی خرید و فروش شود، اطلاق می‌شود، در کشور ما سابقاً بجای استفاده از ارز، اسعار که جمع سعر است استفاده میشد که به معنی پولهای بیگانه و خارجی است. (ولیدی، ۱۳۹۴: ۱۵)

۱-۱. تعریف ارز در عرف بانکداری

امروزه در عرف بانکداری، ارز مفهوم وسیعتری دارد. در معنای عام، ارز نه تنها به اسکناس منتشره توسط بانکهای مرکزی کشورهای خارجی اطلاق میگردد، بلکه شامل اسناد تجاری، برات، سفته و چکهایی که در انجام معاملات بین المللی نیز بکار می‌رود، گفته می‌شود. یا هرگونه سند تجاری که ارزش آن به پول خارجی تعیین شود ارز تلقی و از شاخصه های مهم ارز؛ نخست: قابلیت خریدوفروش و مبادله آنها با پول داخلی در کشور است و دیگری تعیین نرخ ارز است. (خسروی، ۱۳۹۳: ۵۶)

مراد از تعیین نرخ ارز عبارت از تعیین رابطه برابری قیمت پول داخلی با پول بیگانه است. در گذشته و در زمانیکه پشتوانه طلا، یا نظام پایه نرخ طلا در جهان حاکم بود، نرخ ارز یا تبدیل قیمت دو پول داخلی و خارجی عبارت بود از مقایسه محتوای پایه طلای دو پول داخلی و خارجی با یکدیگر، لیکن درحال حاضر برطبق اساسنامه جدید صندوق بین المللی پول، کشورهای عضو این صندوق مکلف به تعیین ارزش پول

خود بر طبق نظام پایه طلا، نیستند. (فرجی، ۱۳۹۵: ۶۷) بلکه هر کشوری باتوجه به مقتضیات و رعایت سیاست ملی و در چارچوب قانون مدون، روش تبدیل پول داخلی با پول خارجی را معین میکند. نقطه مقابل واژه ارز، پول واحد است که میان عده ای از کشورها بعنوان پول واحد تعیین و مبنای انجام معاملات و دادوستد واقع میشود؛ مثل (یورو) که در برخی از کشورهای اروپایی متداول و رایج است.

۲-۱. تعریف ارز در قوانین ایران

قانونگذار ایرانی در تعریف ارز، سابقه دیرینی دارد؛ طوریکه از همان ابتدای قانونگذاری، ارز را به گونه‌های متنوع با محوریت پول خارجی تعریف کرده است. قانونگذار در بند (۱) از ماده (۲) قانون اجازه تفتیش و نظارت بر خرید و فروش اسعار خارجی مصوب ۱۳۰۸ تعریفی در مبنای عام ارز ارائه نموده: «ارز اعم از نقود فلزی یا کاغذی خارجی اعم از این که به طریق انتقال تلگرافی یا طریق دیگر بشکل برات تجاری یا نوشته اعتبار یا چک یا هر نوع اوراق تجارتي دیگر باشد». متعاقباً در تبصره (۱) قانون معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۳۱۴/۱۲/۱۲ نیز، سکوک خارجی اعم از فلزی یا کاغذی اسعار (ارز) محسوب میشود.

همچنین قانونگذار در قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ که اکنون نیز معتبر و بقوت خود باقیست و بر مسایل پولی و بانکی حاکم است، در ماده (۷) این قانون، دارایی‌های ارزی کشور را به ترتیب زیر احصاء کرده است:

- الف) اسکناس‌های خارجی قابل تبدیل که مورد قبول بانک مرکزی ج.ا.ا باشد.
- ب) مطالبات ارزی که به سررسید آنها بیش از ۶ ماه نماند.
- ج) هرگونه پرداخت بابت سهمیه و یا سرمایه به صندوق بین المللی پول یا بانک بین المللی ترمیم و توسعه و یا موسسات مشابه یا وابسته به آنها طبق قوانین مربوطه.
- د) اسناد صادره یا تضمین شده از ظرف سازمانهای رسمی بین المللی و موسسات وابسته به آنها.

ه) اسناد صادر یا تضمین شده از طرف دولت‌های خارجی.
 و) مطالبات ارزی یا مطالبات ریالی قابل تبدیل به ارز از خارجه که بر اثر اجرای موافقتنامه های بین المللی یا پرداخت پایاپای حاصل شده باشد تا حدود پیش بینی شده در موافقتنامه های مزبور.

ز) اسناد بازرگانی عهده اشخاص حقوقی خارجی قابل تبدیل به ارز و دارای سه امضاء معتبر که یکی از آنها امضاء بانک واگذار کننده باشد و سررسید آنها بیش از ۶ ماه نمانده باشد.

ح) اوراق و اسناد بهادار خارجی قابل تبدیل به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی ج.ا.ا. ط) موجودی حساب حق برداشت مخصوص در صندوق بین المللی پول طبق قوانین مربوط.

ارزها، اسناد و مطالبات ارزی مذکور در این ماده باید از نوع ارزهای قابل تبدیل و مورد قبول بانک مرکزی ج.ا.ا. باشد.

آخرین اراده قانونگذار در تعریف ارز، در ق.م.ق.ک مصوب ۱۳۹۲ تجلی یافت. بند «پ» ماده (۱) قانون موصوف ارز را؛ پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد؛ آورده است.

باتوجه به مفاد مواد مذکور میتوان تعریف ارز را اینگونه استنتاج نمود. «کلیه اسناد و اوراق بهادار، روشها و ابزارهای است که در مناسبات و معاملات بین المللی از آنها برای پرداخت بهای خدمات یا کالاها استفاده میشود و بوسیله آنها تادیه دین یا انتقال وجه به نفع شخص حقیقی یا حقوقی صورت میگیرد».

۲. تعریف قاچاق ارز

قبل از تصویب ق.م.ق.ک ۱۳۹۲، در بررسی قوانین و مقررات راجع به ارز، تعریفی از قاچاق ارز که در کلیه موارد اعم از تخلفات و جرایم ارزی بعنوان تعریف روشن و

در این زمینه وضع و به مرحله اجراء گذاشته شد؛ لایحه قانونی راجع به ارزها و طلاجات و جواهراتی که توسط سازمانها مربوط از مسافرین و یا قاچاقچیان به هنگام ورود و یا خروج و یا در داخل کشور کشف و ضبط میشوند مصوب ۱۳۵۹ است. بموجب این لایحه، کلیه ارزهایی که در داخل کشور و یا مرزها و بنادر یا فرودگاهها، توسط مراجع قضایی اداری، انتظامی، از مسافرین و قاچاقچیان ضبط و کشف میشود به بانک مرکزی ایران تحویل میشود. (نوری، ۱۳۸۲: ۲۳۵)

مقررات این لایحه تا تصویب قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، که در خصوص تخلفات ارزی و عدم اجرای تعهدات واردکنندگانی که مبادرت به دریافت ارز و خدمات دولتی نموده ولی به تعهد خود عمل ننموده اند اجراء میشد. اما با تصویب ماده (۱۰) این قانون که مقرر میداشت: «عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، عبارتست از تخلف از ضوابط و مقررات تعیین شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یا کاهش کمی یا کیفی کالا یا خروج ارز از کشور گردد. تعزیرات عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی بشرح زیر میباشد:

الف) جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات.

ب) تعلیق کارت بازرگانی از ۶ ماه تا یکسال و در صورت تکرار از یکسال تا ابطال و در صورت وقوع سوء استفاده علاوه بر مجازاتهای فوق جریمه تا ۵ برابر مبلغ سوء استفاده. (ر.ک: نوری، ۱۳۸۲: ۳۶۹-۳۶۸)

متعاقباً قانونگذار در بند الف) ماده (۱) قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹ (روزنامه رسمی کشور، ۱۳۶۹: ۱۳۳۱) اخلاص در نظام پولی و ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز جرم محسوب و مرتکب بموجب ماده (۲) قانون مذکور: «هریک از اعمال مذکور در بند الف)، چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام

مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر اینصورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه بعنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون بدست آمده باشد، حکم خواهد داد. دادگاه میتواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

تبصره (۱). در مواردیکه اخلال موضوع هریک از موارد مذکور در بندهای ۶ گانه ماده (۱) حسب مورد عمده یا کلان و یا فراوان نباشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف قانونی بدست آمده باشد بعنوان جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ناگفته نماند در حال حاضر ضمانت اجرای جرایم ارزی مشمول مقررات قانون واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب ۱۳۳۶/۱۲/۲۴ است. زیرا از تاریخ تصویب این قانون، هرگونه خرید و فروش و واگذاری ارز اعم از اسکناس، چک، حواله و غیره مشمول مقررات این قانون است؛ زیرا بموجب ماده (۳) انجام کلیه معاملات ارزی نیز در انحصار بانکهایی قرار خواهد گرفت که بموجب مقررات بانکداری برای انجام معاملات ارزی مجاز بوده یا خواهند شد. مقررات این قانون در خصوص تکالیف و وظایف صادرکنندگان کالا بخارج از کشور بسیار مهم است. براساس ماده (۵) قانون مذکور، کلیه صادرکنندگان باید در موقع صدور کالا بخارج از کشور تعهد ارزی براساس ارزیابی گمرک به بانکهای ایران سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانکهای مجاز بفروشند و بموجب ذیل ماده (۶) نیز انتقال موجودیهای ارزی بخارج از کشور منوط به جلب موافقت بانک ملی ایران بود. متخلفین از مقررات ارزی این قانون بموجب ماده (۷)؛ اعم از مباشر، شریک و معاون جرم متضامناً علاوه بر پرداخت مبلغ مورد تعهد به جزای نقدی تا معادل ۵۰٪ مبلغ موضوع یا معامله محکوم میشدند. بنابراین جرایم ارزی را نباید با قاچاق ارزی اشتباه نمود. در حال حاضر مراجع قضایی در خصوص جرایم ارزی صادرکنندگان کالا در

مواردیکه بصورت غیرباندی و بغیر از قصد اخلال در نظام صادراتی کشور صورت میگیرد؛ براساس مواد(۵)و(۷) قانون واگذاری معاملات ارزی به بانکهای ایران رسیدگی و مبادرت به صدور حکم می نمایند. درغیر اینصورت عملیات مرتکب مشول مقررات بند(الف) از ماده(۱) قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور خواهد بود.

بالاخره قانونگذار در سال ۱۳۷۴ باتوجه به شرایط ویژه اقتصادی حاکم بر عدم کفایت، نارسایی قوانین جزایی موجود برای ایجاد تعادل در زمینه ارزی در کشور، جلوگیری از خروج ارز، حمایت از ارزش پول ملی، مقابله با واسطه ها و دلالت های ارز در تاریخ ۱۳۷۴/۰۲/۱۲ مبادرت به تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز نمود. در ماده(۱) این قانون آمده: «از تاریخ تصویب این قانون در مورد کلیه امور مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحیه بعدی اسفندماه ۱۳۵۳ و اصلاح ماده(۱) قانون مزبور مصوب ۱۳۷۳ و این قانون به شرح مواد آتی عمل خواهد شد».

نهایتاً قانونگذار در ق.م.ق.ک ۱۳۹۲ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۴، در بند(خ) از ماده(۲) قانون موصوف: «هرگونه وارد، خارج کردن، فروش یا حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت یا مجوزهای لازم از بانک مرکزی، اعم از اینکه در سطح بازار داخلی یا فضای مجازی(سایبر) باشد» را قاچاق ارز محسوب و ارز را در بند(پ) ماده(۱) این قانون: «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد»، تعریف کرد.

بند «خ» ماده(۲) بیان میدارد: «علاوه بر مصادیقی که در قانون امور گمرگی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ ذکر شده است، موارد زیر نیز قاچاق محسوب می شود: خ — عدم رعایت ضوابط تعیین شده ازسوی دولت یا نداشتن مجوزهای لازم از بانک مرکزی

برای ورود، خروج، خرید، فروش یا حواله ارز».

همچنین در ماده (۷) قانون لاحق، قانونگذار بانک مرکزی را موظف کرده در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز، میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافر، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل را تعیین و اعلام نماید.

براساس دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر ارز همراه مسافر اصداری بانک مرکزی ج.م.ا. اجرای از تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۱؛ مسافران ورودی و خروجی کشور و رانندگان بخش حمل و نقل بین المللی، مجاز به همراه داشتن میزان ۱۰۰۰۰ دلار اسکناس یا معادل آن به سایر ارزها بصورت فیزیکی و بدون نیاز به اظهار به گمرک میباشند و ورود و خروج ارز بیش از مقدار مقرر و بدون رعایت ضوابط اعلام شده، مشمول قاچاق ارز است.

مهمترین ضابطه‌ای که در دستورالعمل مذکور برای قاچاق نبودن ارز همراه مسافر و رانندگان حمل و نقل بین المللی تاکید شده است، تأیید منشاء حصول ارز توسط مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پولشویی (FIU) می‌باشد. یعنی، در صورت تأیید منشاء ارز فیزیکی از سوی مرکز موصوف، میزان ارز ورودی یا خروجی بیش از ۱۰۰۰۰ دلار اسکناس یا معادل آن به سایر ارزها بصورت فیزیکی مشمول حکم قاچاق نخواهد شد. بدیهی است در صورت عدم تأیید منشاء ارز توسط مرکز، ضمن طرح شکایت در مرجع قضایی، مراتب را جهت درج در سامانه به گمرک ج.ا.ا اعلام میگردد.

ر صورت صدور رای برائت از سوی مرجع قضایی، مطابق گفته های بالا عمل خواهد شد. (استرداد ارز از طریق حواله وجه به داخل و یا خارج از کشور در چارچوب مقررات ارزی، پرداخت عین ارز فیزیکی و یا خرید آن به نرخ آزاد توسط بانک ملی ایران) و در صورت صدور رای محکومیت از سوی مرجع قضایی، مذکور مراتب را از طریق گمرک ج.ا.ا به بانک ملی ایران اعلام و بانک مزبور ضمن ابطال سیستمی ارز اظهار شده در سامانه و اعلام مراتب به گمرک ج.ا.ا، عین ارزهای اظهار شده را به اداره نشر اسکناس و خزانه بانک مرکزی ج.ا.ا تحویل و اداره مزبور نیز نسبت به خرید ارزها

به نرخ روز و واریز معادل ریالی آن به حساب تعیین شده ازسوی خزانه‌داری کل کشور اقدام می‌نماید.

باتوجه به مراتب بالا؛ قاچاق ارز عبارتست از خارج کردن ارز از کشور بطور مستقیم یا غیرمستقیم بدون رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی و یا وارد کردن ارز به کشور بشرط عدم اظهار میزان و نوع آن در اظهارنامه تسلیمی به مقامات ذیصلاح یا خریدوفروش هرگونه ارز در داخل کشور بدون تجویز بانک مرکزی ج.م.ا.

۳. تعریف جرم درحکم قاچاق ارز

مقصود از جرم درحکم قاچاق ارز، عبارت از خریدوفروش، حمل یا حواله ارز غیرمجاز برای خارج کردن آن از کشور، بدون رعایت مقررات بانک مرکزی است که ممنوعیت ارتکاب آن با قید مجازات خاص توسط قانونگذار تحت عنوان، قاچاق ارز به حکم قانون اعلام میگردد. ضمانت اجرایی کیفری جرم درحکم قاچاق ارز تا قبل از تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز درچارچوب مقررات بند (الف) ماده (۴۲) قانون پولی و بانکی کشور که بموجب آن مجازات جزای نقدی معادل ۵۰٪ ارزش ریالی مقدار ارز مکشوفه بود و مراجع کیفری برطبق آن مبادرت به صدور حکم میکردند و تعقیب آن منوط به شکایت بانک مرکزی بود.

پس از تصویب قانون مارلذکر، قانونگذار در ماده(۶) این قانون صریحاً جرم درحکم قاچاق ارز را تعریف کرده بود: «حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین میکند، خریدوفروش، حمل یا حواله ارز غیرمجاز برای خروج از کشور ممنوع و درحکم قاچاق میباشد» و از حیث مجازات، علاوه براینکه عین ارز مکشوفه از متخلفین اخذ و به بانک مرکزی یا شعباتی که آن بانک تعیین میکند به نرخ مصوب دولت فروخته شده و وجوه ریالی به حساب موضوع ماده(۷) همین قانون واریز می‌گردید. مرتکب مشمول سایر مجازات‌های مقرر در ماده(۲) همین قانون نیز می‌شد.

قانونگذار در تبصره «۲» ماده ۷ ق.م.ق.ک. ۱۳۹۴، هرگونه عرضه و فروش ارز،

خارج از واحدهای مجاز تعیین شده توسط دولت بوسیله اشخاص (حقیقی یا حقوقی) و واحدهای صنفی را ممنوع و مرتکبین برابر قانون مجازات خواهند شد.

همچنین بانک مرکزی ج.ا.ا. در ماده (۱۷) دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر ارزش همراه مسافر، عدم رعایت ضوابط دستورالعمل مذکور، مشمول مجازات مقرر در ق.م.ق.ک ۱۳۹۲ خواهد بود.

۴. شروع به جرم قاچاق ارز

باتوجه به مفاد ماده ۶۸ ق.م.ق.ک اصلاحی ۱۳۹۴ که بیان میدارد: «مجازات شروع به قاچاق، علاوه بر ضبط کالا یا ارز حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است»، موضوع شروع به جرم قاچاق محتمل میباشد، هرچند که موضوع به ندرت اتفاق می افتد.

همچنانکه مبین است، شروع به جرم عبارتست از رفتاری که بمنظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام شده، لکن به جهت موانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نگردد. به سخن بهتر، عبور از قصد مجرمانه و عملیات مقدماتی و ورود در مرحله اجرای جرم را، بنحوی که اعمال انجام شده متصل به جرم باشد، شروع به آن جرم گویند. مشروط برآنکه بزه بطور کامل واقع نشود و تحت عنوان جرم تام قرار نگیرد. (نوربها، ۱۳۹۵: ۲۴۳)

بنابراین هرگاه شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی با قصد قاچاق ارز، اقدام به اجرای عملیات رفتار مجرمانه قاچاق ارز گردد، لیکن بواسطه یک عامل خارجی موفق به قاچاق ارز نشود، مشمول موضوع شروع به جرم قاچاق ارز خواهد شد.

علاوه بر مفاد ماده (۶۸) قانون مذکور، طبق تبصره (۳) از ماده (۲) قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی، شروع به جرم اخلاال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز صریحاً و بدین شرح جرم و قابل مجازات اعلام گردیده است؛ «تبصره ۳- مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده، ا تا ۳ سال حبس و ۵۰۰/۰۰۰ تا ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع قسمت

اخیر این ماده ۶ ماه تا ۲ سال حبس و ۲۵۰ هزار ریال تا ۲ میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره (۱) این ماده ۶ ماه تا ۱/۵ سال حبس و ۲۰۰/۰۰۰ تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی است.»

بی تردید شرط تحقق شروع به جرم قاچاق ارز موضوع تبصره (۳) ماده (۲) قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مانند هر جرم دیگری مستلزم آنست که عملیات مادی انجام یافته از ناحیه کسی که قصد خارج کردن ارز غیرمجاز از کشور را دارد از نظر سیر تکاملی عنصر مادی جرم ارتباط مستقیم با وقوع جرم را داشته باشد بطوریکه این عملیات جزئی از اقداماتی باشد که مرتکب برای خارج کردن ارز از کشور به انجام رسانده باشد؛ لکن ادامه عملیات اجرایی او بواسطه مانع خارجی که اراده مرتکب جرم در آن مدخلیت ندارد موجب تعلیق و ناتمام ماندن قصد مجرمانه مرتکب گردد تا بتوان او را مشمول حکم تبصره (۳) ماده (۲) قانون مذکور دانست. زیرا مجرد قصد ارتکاب خارج کردن ارز غیرمجاز از کشور و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست. (ولیدی، ۱۳۹۴: ۱۹)

قانونگذار در این تبصره ضمانت اجرای کیفری شروع به قاچاق ارز را در صورتیکه از نظر کیفیت و نحوه عملیات مجرمانه باعث مخاطرات زیادی برای نظام پولی و ارزی کشور از طریق ارتکاب قاچاق باشد به تناسب شدت و ضعف مخاطرات ناشیه از ارتکاب جرم مجازاتهای شدیدی که میتوان آنها را در ۳ حالت طبقه بندی نمود پیش بینی و در نظر گرفته است.

از سوی دیگر از نظر حقوق کیفری شرط تحقق شروع به جرم مانند شروع به قاچاق ارز در چارچوب تبصره (۳) یاد شده، آنست که عملیات شروع شده از طرف مرتکب ارتباط مستقیمی با اخلال در نظام ارزی کشور را داشته است.

اما آنچه قابل بررسی است، موضوع شروع به جرم در حکم قاچاق ارز است. یعنی میتوان تصور کرد که جرایم در حکم قاچاق ارز، شروع به جرم دارند یا خیر؟ در پاسخ

باید گفت با اینکه قانونگذار در ماده (۶) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴، حکم خاصی را در خصوص جرم در حکم قاچاق ارز پیش بینی و جرم انگاری کرده بود و بموجب آن دادگاه در صورت احراز بزه شروع به جرم در حکم قاچاق ارز برطبق واکنش کیفری پیش بینی شده در این ماده مبادرت به صدور حکم می نمود. اما در خصوص شروع به این جرم قانونگذار نه تنها در ذیل این ماده بلکه در هیچ یک از ۱۰ ماده و ۲ تبصره قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی اشاره ای به شروع به جرم در حکم قاچاق ارز در سایر مجموعه های قوانین جزایی و متفرقه موضوعه در ایران نکرده و باعنایت به اینکه قانونگذار در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ناظر به قاعده عام شروع به جرم مقرر داشته، «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن بواسطه عامل خارج از اراده او، قصدش معلق بماند به شرح زیر مجازات میشود...» و در مانحن فیه در خصوص شروع به جرم در حکم قاچاق ارز به هیچ وجه جرم تلقی نشده است، بنابراین شروع به جرم در حکم قاچاق ارز جرم نیست.

۵. مجازات قاچاق ارز

مجازات قاچاق ارز باتوجه به قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مبارزه با اخلال در نظام اقتصادی حسب مورد اعم از اینکه قاچاق ارز به قصد ضربه زدن به نظام یا بدون قصد آن، عمده باشد یا غیر عمده، سازمان یافته باشد یا نه متفاوت است. بنابراین برای سهولت در امر، با دسته بندی ۸ گانه نسبت به تبیین مجازات انواع قاچاق ارز اقدام می نمایم.

۱-۵. مجازات قاچاق ارز عادی

برابر ماده (۱۸) از ق.م.ق.ک، هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی مرتکب قاچاق ارز شود، علاوه بر ضبط ارز مکشوفه، جریمه نیز خواهد شد. برای قاچاق ارز از کشور، جریمه تعیینی معادل ۲ تا ۴ برابر ارزش ریالی ارز مکشوفه و برای قاچاق ارز به کشور، جریمه تعیینی معادل ۱ تا ۲ برابر بهای ارز مکشوفه خواهد بود. قانونگذار برای خرید،

فروش یا حواله ارز قاچاق نیز، جریمه ای معادل ۲ برابر بهای ریالی ارز قاچاق تعیین کرده است.

همچنین اگر قاچاق ارز توسط اصناف یا صرافی‌ها صورت گیرد، علاوه بر ضبط ارز قاچاق، متصدی (مالک یا صاحب پروانه) صنف یا صرافی به ترتیب زیر جریمه می‌شود:

الف) مرتبه اول: جریمه نقدی معادل ۲ برابر ارزش بهای ریالی ارز قاچاق

ب) مرتبه دوم: جریمه نقدی معادل ۴ برابر بهای ریالی ارز قاچاق

ج) مرتبه سوم: جریمه نقدی معادل ۶ برابر بهای ریالی ارز قاچاق و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب بعنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه.

۲-۵. مجازات قاچاق ارز سازمان یافته

برابر مفاده ماده (۲۹) ق.م.ق.ک، در صورتیکه ارز بنحو سازمان یافته قاچاق شود، علاوه بر مجازاتهای موضوع ماده (۱۸) آن قانون، چنانچه ارزش ارز تا (۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به ۲ تا ۵ سال حبس و در صورتیکه ارزش ارز بیش از مبلغ مذکور باشد به حداکثر مجازات مذکور در این بند (۵ سال حبس) محکوم خواهد شد. مجازات مقرر برای کسانی که در قاچاق ارز سازمان یافته نقش سازماندهی، هدایت و یا سردستگی گروه سازمان یافته را برعهده دارند، حداکثر مجازات فوق الذکر (۵ سال حبس) خواهد بود.

آنچه از جرم قاچاق سازمان یافته در ق.م.ق.ک تعریف شده، میتواند ملاک منطقی برای تلقی جرایم سازمان یافته قاچاق ارز گردد. مع الوصف؛ قاچاق سازمان یافته ارز جرمی است که با برنامه ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتاً منسجم متشکل از ۳ نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق ارز تشکیل یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق ارز منحرف شده است صورت میگیرد.

براین اساس قاچاق سازمان یافته ارز دارای ویژگیهایی است که در زیر میآید:

۱. طراحی و برنامه ریزی برای ارتکاب جرم قاچاق ارز؛

۲. هدایت گروهی فرآیند رفتار مجرمانه توسط یک یا چند نفر؛

۳. انسجام درونی و بیرونی گروه مجرمانه؛

۴. اعضای گروه سه یا بیشتر از سه نفر باشد.

۵. هدف تشکیل گروه مقدماً یا متعاقباً ارتکاب قاچاق ارز باشد. (متین، ۱۳۹۵: ۶۹)

حال تنها سئوالی که در اینجا پیش می‌آید اینکه قضاوت از چه طریقی می‌فهمند که رفتار مجرمانه قاچاقچیان ارز، سازمان یافته است؟ مقنن، در ماده (۳۸) ق.م.ق.ک طریقی را تعیین نموده که بر آن اساس، تعیین اینکه قاچاق ارز انجام شده سازمان یافته است یاخیر؟ برعهده سازمان کاشف قرار داده؛ به این نحو که در ماده موصوف آمده: «هرگاه در زمان کشف جرم قاچاق دستگاه اجرایی کاشف یا دستگاه اجرایی مامور وصول درآمدهای دولت بر مبنای قراین و امارات موجود از جمله وسایل و تجهیزات مورد استفاده در ارتکاب جرم، حجم و ارزش کالای مکشوفه احراز نمایند یا احتمال قوی دهند که جرم در یکی از وضعیتهای زیر واقع گردیده است مکلفند این موضوع را با ذکر قراین و امارات مزبور برای انجام اقدامات قانونی به مقام قضایی اعلام نمایند: الف) وقوع جرم بصورت سازمان یافته...»

بدیهی است که این فرآیند صرفاً در زمان کشف ارز قاچاق صورت می‌گیرد؛ یعنی دستگاه اجرایی کاشف، هرگاه هنگام کشف ارز قاچاق از طریق قراین و امارات موجود به این یقین برسد که قاچاق ارز، سازمان یافته است یا ظن قوی نماید قاچاقچیان سازمان یافته عمل کرده اند، بایستی موضوع سازمان یافته بودن فرآیند رفتار مجرمانه قاچاق ارز را به اطلاع مقام قضایی برسانند. این امارات و قراین میتواند معیاری از وسایل و تجهیزات مورد استفاده در ارتکاب قاچاق ارز، حجم و ارزش ارز مکشوفه و از این قبیل امور باشد. طبیعی است که این معیارها حصری نبوده و صرفاً طریقی برای شناسایی سازمان یافته بودن قاچاق ارز ارتکابی است. (همان، ص ۷۰)

تشخیص سازمان یافته بودن رفتار مجرمانه قاچاق ارز در هنگام پی جویی پرونده و یا متعاقب کشف ارز قاچاق باکیست؟ بنظر میرسد مقنن با برشمردن شرایط تشخیص

سازمان یافته بودن قاچاق ارز در بدو کشف توسط دستگاه کاشف و سکوت در این خصوص، خواسته است که در صورت بروز چنین امری، این قضات باشند که وظیفه تشخیص دارند. هر چند در صورت کشف دلایل متقن توسط دستگاه کاشف مبنی بر سازمان یافته بودن فرآیند رفتار مجرمانه قاچاق ارز، مکلفند مراتب را به مرجع قضایی اعلام نمایند ولی تشخیص اصلی موضوع بر عهده مرجع قضایی است.

۳-۵. مجازات قاچاق ارز به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران

برابر ماده (۳۰) ق.م.ق.ک؛ در صورتیکه ارتکاب قاچاق ارز بصورت انفرادی و یا سازمان یافته بقصد مقابله با نظام ج.م.ا یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلاف گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.

بر اساس ماده (۲) قانون اخیرالذکر، هرگاه قاچاق ارز به قصد ضربه زدن به نظام ج.م.ا و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر اینصورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم میشود و در هر دو صورت دادگاه بعنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون بدست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه میتواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

آنچه مهم است اینکه قاچاق ارز حتماً بایستی با هدف مقابله با نظام ج.م.ا باشد. در غیر اینصورت از مصداق این ماده خارج میگردد. فرقی هم نمیکند که قاچاق فردی یا بانندی انجام شود؛ همچنین سازمان یافته باشد یا نباشد. آنچه مورد تاکید است علم به مؤثر بودن قاچاق ارز برای مقابله با نظام و اخلاف در نظام اقتصادی کشور است که با هدف عناد با نظام ج.م.ا انجام میگردد. (نقدی و گلی، ۱۳۹۲: ۵۵)

بنابراین هرگاه قاچاق ارز با هدف برهم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی

به قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن و یا علم به موثر بودن این رفتار در مقابله با آن بصورت انفرادی یا سازمان یافته صورت پذیرد، حسب مورد مشمول مجازات اعدام یا حبس از ۲۰ سال حبس خواهد بود.

۴-۵. مجازات قاچاق ارز با هدف تامین مالی تروریسم

در این نوع قاچاق، مرتکب انفرادی یا بانندی؛ با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرایم را بنحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند بانظام اختصاص داده یا هزینه مینماید.

قانونگذار در ماده (۳۱) ق.م.ق.ک؛ مجازات سختی برای این نوع قاچاق ارز در نظر گرفته است. در صورتیکه احراز شود مرتکب جرایم قاچاق ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرایم را بنحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون (مبارزه با قاچاق کالا و ارز) حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم میگردد.

۵-۵. مجازات قاچاق ارز توسط قاچاقچی حرفه‌ای

قانونگذار در نگارش ق.م.ق.ک ۱۳۹۲، از واژه حرفه‌ای در دو بعد قاچاق حرفه‌ای و قاچاقچی حرفه‌ای بهره گرفته است. بهتر است قبل از بیان مجازات قاچاقچی حرفه‌ای ارز با این دو مفهوم آشنا شویم.

مقنن علیرغم اشاره به این امر تعریفی از آن نداده است، البته این موضوع در تمامی جرایم شمولیت دارد. به سخن دیگر تاکنون مقنن از هیچ جرمی برمبنای جرم حرفه‌ای تعریف نیاورده و فقط به تعریف مجرم حرفه‌ای بسنده کرده است و در مفهوم قاچاق حرفه‌ای کالا و ارز نیز صرفاً به تعریف قاچاقچی حرفه‌ای بسنده کرده است. اما میتوان با تکیه بر یافته‌های جرم‌شناسی نسبت به تعریف کلی از قاچاق حرفه‌ای دست

یافت. (متین، ۱۳۹۵: ۷۱)

«جرم حرفه‌ای^{۱۷}» اصولاً به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که بعنوان یک زمینه اشتغال جهت تحصیل درآمد، مورد ارتکاب قرار می‌گیرد و توسعه این «حرفه» با ورود و اجتماعی شدن مجرم در دنیای جرم که همراه با تکمیل مراحل متعدد از جمله فراگیری مهارت‌های لازم و آگاهی از بازار فروش فرآورده‌های این حرفه است، انجام می‌پذیرد (معاشرت ترجیحی). جرم حرفه‌ای همچنین درماهیت خویش یک «فن» است؛ زیرا آنانیکه به ارتکاب آن اشتغال دارند، بدین ترتیب در مورد آن می‌اندیشند. بگونه‌ای که در این سطح از تخصص، میان جرم حرفه‌ای و مجرم غیرحرفه‌ای، تفاوت می‌گذارند و از این جهت است که تیپ‌های مختلف «حرفه‌ای‌ها» با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند. (ستوده گندشمین و عالیزاده، ۱۳۹۴: ۳۴۱) براین اساس می‌توان گفت جرمی قاچاق حرفه‌ای ارز تلقی می‌شود که دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. *مباشرت در ارتکاب قاچاق ارز*: ارتکاب قاچاق در این معنا وقتی قاچاق حرفه‌ای ارز تلقی می‌شود که قاچاق ارز صورت گرفته توسط قاچاقچی بصورت مباشرتاً ارتکاب شده باشد. یعنی در واقع شخص حامل ارز قاچاق، در واقع همان قاچاقچی باشد که مباشر جرم است.

۲. *کثرت قاچاق ارتکابی*: بمعنای ارتکاب بیش از ۳ بار قاچاق ارز بوسیله قاچاقچی یا قاچاقچیان است. این امر با احتساب تعداد قاچاق ارز ارتکابی بوسیله یک فرد در ارتکاب قاچاق در طول حرفه مجرمانه محاسبه می‌گردد. برابر شرح منطوق خود ق.م.ق.ک در تعریف قاچاقچی حرفه‌ای، معیار حرفه‌ای بودن جرم قاچاق ارز در بعد کثرت جرم، ۳ بار مباشرتاً است.

۳. *ارزش ارز قاچاق*: همچنانکه خود قانونگذار در تعریف قاچاقچی حرفه‌ای که در قانون اصلاح موادی از قانون مصوب ۱۳۹۴ آورده است، بایستی ارزش ارز قاچاق

مکشوفه در هر سه بار سابق و همچنین مرتبت فعلی بعنوان مرتبه چهارم، بایستی بیشتر از ده میلیون ریال باشد تا قاچاق ارز ارتكابی، بعنوان قاچاق حرفه‌ای تلقی گردد. اما در باب قاچاقچی حرفه‌ای باید گفت، مقنن در شق «ش» ماده (۱) ق.م.ق.ک. ۱۳۹۲ برای تعریف قاچاقچی حرفه‌ای این گونه آورده بود: «شخصی است که بیش از ۳ بار مرتکب تکرار و یا تعدد جرم قاچاق شود». در قانون اصلاح ق.م.ق.ک. مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۲۱ مقنن با تغییر این تعریف، قاچاقچی حرفه‌ای را بازتعریف کردند. براساس ماده (۱) این قانون، با اصلاح بند «ش» ماده (۱) ق.م.ق.ک. مصوب ۱۳۹۴، تعریف «قاچاقچی حرفه‌ای» به این شرح تعیین میشود؛ قاچاقچی حرفه‌ای شخصی است که بیش از ۳ بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از ۱۰ میلیون ریال باشد.

برای بیان بهتر مفهوم قاچاقچی حرفه‌ای بهتر است ابتداء ببینیم که مقنن ایرانی در سیاست جنایی خود مجرم حرفه‌ای را چگونه تعریف میکند. اصطلاح مجرم حرفه‌ای ترکیبی است از دو واژه «مجرم» و «حرفه‌ای». با این مشخصه، شناخت مفهوم مجرم در گرو شناخت تعریف جرم است.

آنچه در زبان فارسی تحت عنوان واحد «مجرم حرفه‌ای» وجود دارد، ترجمه دو اصطلاح انگلیسی در متون جرم‌شناسی است. این دو اصطلاح عبارتند از: Career criminals و Professional criminals. این دو در نوشته‌های جرم‌شناسی گاه معادل هم بکار میروند؛ اما دیده شده که جرم‌شناسان گاهی Career criminals را معادل مجرمان به عادت استفاده میکنند. آنچه از مجموع بررسیها و مطالعات متون خارجی در دسترس بدست می‌آید؛ حاکی از اینست که Career criminals پس از واژه مجرم به عادت و تقریباً معادل مفهوم مجرم مزمن در سال ۱۹۷۲ شکل گرفته و منظور از آن کسی است که در طول زندگی خود به ارتكاب مشاغل مجرمانه متعدد اشتغال داشته باشد. بکارگیری اصطلاح Career criminals معادل «مجرمان حرفه‌ای» اگرچه در ظاهر امری صحیح به نظر میرسد، اما با بررسی دقیق معنای دو واژه career و

profession این نتیجه بدست می آید که career criminals اصطلاحی عام بوده که هم مجرمان به عادت را و هم مجرمان حرفه‌ای را در برمیگیرد. Career در لغت به معنای پیشه، یعنی مجموعه شغل‌های یک فرد در طول زندگی، از این رو از آنجا که هم مجرمان حرفه‌ای و هم مجرمان به عادت در تمام طول زندگی خود، یا لاقلاً در بخش عظیمی از آن، پیشه مجرمانه خود را حفظ میکنند، اطلاق این عنوان بر هر دو صحیح است، با این تفاوت که مجرم حرفه‌ای پیشه مجرمانه خود را بصورت تخصصی دنبال میکند، اما مجرم به عادت آن را با ارتکاب جرایم متنوع پی می گیرد، این امر را میتوان بادقت در معنی لغوی دو اصطلاح درک کرد، بدین صورت که معنای لغوی «مجرم به عادت» معنا و مفهوم به ارتکاب جرم را بدون التزام به ارتکاب جرمی خاص به ذهن متبادر میسازد در حالیکه مجرم حرفه‌ای مفهوم حرفه، یعنی انجام نوع خاصی از جرم را به عنوان شغل بصورت ماهرانه و تخصصی را متبلور میسازد. بدین ترتیب ملاحظه میشود که بهترین اصطلاحی که دقیقاً منطبق با مفهوم مجرم حرفه‌ای است، Professional criminal می باشد. (حاجی ده آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۶)

مجرم حرفه‌ای به کسی اطلاق میشود که قانون آنرا چنین میداند و نام و روشش در ارتکاب جرم برای نهادهای مجری قانون شناخته شده است. این اصطلاح همچنین نسبت به کسیکه سالهای بسیاری را در زندان سپری کرده و بعد از آزادی، بدون اینکه اصلاح شده باشد، به جرم مورد نظر خود بعنوان شغل باز میگردد، بکار میرود. (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۸۹)

اما آنچه بطور کلی میتوان در مجموع تعاریف ارائه شده از مجرم حرفه‌ای مشاهده کرد، عبارتند از عناصری چون کسب و حفظ مهارتهای مختلف در زمینه ارتکاب جرم، فرار از دستگیری، اتهام و اعمال موفقیت آمیز این مهارتها. البته در کنار این معیارها، گاهی نیز عضویت در سازمانهای مجرمانه حرفه‌ای بعنوان بخشی از معیار شناسایی فرد بعنوان یک مجرم حرفه‌ای در نظر گرفته می شود. (بال، ۲۰۰۵: ۱۶۵۰)

اما آنچه از تعریف مجرم حرفه‌ای برای پژوهش مدنظر است، اینکه: «مجرم حرفه‌ای فردی است که با یک خرده فرهنگ مجرمانه؛ رفتار مجرمانه، بطور اختصاصی شغل



عرفی، نسبتاً دایمی و محل تامین معاش وی است. چنین فردی در حرفه مجرمانه خود (قاچاق ارز) چنان با مهارت و با تخصص عمل می‌کند که گویی ارتکاب رفتار مجرمانه، حرفه و فن وی است که با این طریق، امکان دستگیری وی به حداقل ممکن می‌رسد». برابر ماده (۱) قانون اصلاح موادی از ق.م.ق.ک؛ قاچاقچی حرفه‌ای؛ شخصی است که بیش از ۳ بار مرتکب قاچاق شود و ارزش کالا یا ارز قاچاق در هر مرتبه بیش از (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد؛ و از طرف دیگر برابر مفاد ماده (۳۲) ق.م.ق.ک ۱۳۹۲؛ کسانی که مطابق این قانون قاچاقچی حرفه‌ای محسوب می‌شوند، علاوه بر ضبط کالا و یا ارز قاچاق، به حداکثر جزای نقدی و تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و مجازاتهای حبس به شرح زیر محکوم می‌شوند:

الف) ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس برای کالا و ارز با ارزش تا یک میلیارد ریال
ب) بیش از ۶ ماه تا ۲ سال حبس برای کالا و ارز با ارزش بیش از یک میلیارد ریال.

۶.۵. مجازات قاچاق عمده ارز

قاچاق عمده ارز از جرایم اخلاف در نظام اقتصادی است که در قانون مجازات اخلافگران در نظام اقتصادی کشور (مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی) احصا شده است. براساس این قانون، قاچاق ارز عبارت است از:

الف) وارد یا صادر کردن و توزیع نمودن ارز، خارج از ضوابط بانک مرکزی ج.م.ا.عم از اینکه عمده باشد یا غیرعمده؛

ب) خرید و فروش ارز بصورت غیرمجاز و خارج از شبکه بانکی یا صرافیهای مجاز عم از اینکه عمده باشد یا غیرعمده؛

ج) حمل یا حواله ارز غیرمجاز بصورت عمده یا غیره عمده، خارج از ضوابط بانک مرکزی به قصد خروج از کشور. (ساک، ۱۳۸۸: ۳۱۶-۳۱۵)

آنچه در این قانون مهم بنظر می‌رسد، نحوه تشخیص عمده بودن ارز قاچاق شده میباشد که تاکنون قانون تفسیری و حتی آیین نامه ای در این خصوص تصویب نشده

است. بنابراین در این بین برای تشخیص عمده بودن قاچاق ارز، یا باید به رویه قضایی رجوع کرد یا عرف حاکم در منطقه. اما مقنن در خصوص مجازات قاچاق عمده ارز، دو حالت را پیش بینی کرده است؛ هرگاه قاچاق ارز عمده، به قصد ضربه زدن به نظام ج.ا.و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد، چنانچه در حد فسادفی الارض باشد مرتکب به اعدام محکوم خواهد شد. چنانچه هدف صرفاً قاچاق ارز و کسب منفعت مالی باشد، مرتکب به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم میشود و در هر دو صورت دادگاه بعنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون بدست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه میتواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

در مواردیکه قاچاق عمده ارز از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونیها و غیرآنها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا بگونه ای دخالت داشته اند برحسب مقابله با نظام و غیرآن منطبق باشد به ترتیب به مجازات اعدام و حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرسی یا بازرسان و بطور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که بگونه ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند؛ مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر خودداری کرده یا باسکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات معاون جرم محکوم میشوند. حسب تبصره (۵) ماده ۲ قانون موصوف، هیچیک از مجازاتهای مقرر برای قاچاق عمده ارز اعم از شخص حقیقی و حقوقی قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی باشد.

۷-۵. مجازات قاچاق ارز توسط شخص حقوقی

حسب ماده (۱۴۷) ق.م.ا، در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی بنام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

باتوسل به مراتب بالا، اگر قاچاق ارز توسط شخص حقوقی ارتکاب یابد، مرجع صدور حکم نسبت به ضبط ارز قاچاق مکشوفه اقدام میکند و شخص حقوقی، علاوه بر محکومیت به جزای نقدی، حسب مورد به ۲ تا ۴ برابر حداکثر جریمه مقرر برای شخص حقیقی، به ترتیب زیر محکوم میشود:

۱. در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از ۱ تا ۲ سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی.

۲. در مورد قاچاق سازمان یافته ارز، انحلال شخص حقوقی.

چنانچه شخص حقوقی مرتکب قاچاق ارز، وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی باشد، مرجع رسیدگی کننده، کارکنان و مدیران مرتکب قاچاق ارز را علاوه بر مجازاتهای مربوط حسب مورد به محرومیت یا انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و عمومی غیر دولتی محکوم مینماید. اگر منافع حاصل از قاچاق ارز به شخص حقوقی تعلق یابد و یا برای تأمین منافع شخص حقوقی به قاچاق ارز اقدام گردد، جریمه ها از محل دارایی شخص حقوقی وصول میشود. در خصوص مدیر شخص حقوقی^{۱۸} که از عمل مباشران، علم و اطلاع داشته باشد نیز مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

۸-۵ مجازات قاچاق ارز بدون کشف ارز اسکناس

قانونگذار در یک نوآوری در ماده (۵۸) ق.م.ق.ک، تصریح کرده است که هرگاه در جرایم و تخلفات قاچاق کالا و ارز، عین ارز ق...

۱۸. منظور از مدیر شخص حقوقی کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد. (تبصره ۴ ماده ۶۷ ق.م.ق.ک ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی ۱۳۹۴)

محکومیت به مجازاتهای مقرر، به پرداخت معادل ارزش ارز نیز محکوم میشود. یعنی وقتی ارز قاچاق از ید مرتکب آن کشف نشود، مرتکب علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر حسب شرایط حاکم (بندهای ۷ گانه موصوف) بایستی میزان ارز قاچاق شده را بایستی بعنوان جریمه یا جزای نقدی پرداخت کند.

۶. مجازات تکمیلی و تبعی مرتکبین قاچاق ارز

مجازات‌ها در حقوق جزا شامل ۳ دسته مجازاتهای اصلی، تکمیلی و تبعی است. مجازات اصلی، مجازاتی است که از سوی مقنن در قوانین جزایی برای هر جرم بطور مشخص تعیین شده است. مجازات تکمیلی، مجازاتی است که اگرچه بعنوان مجازات اصلی ذکر نشده اما بعنوان یکی از ابزارهای تعیین مجازات در اختیار قاضی قرار داده شده تا در صورت نیاز برای تکمیل مجازات اصلی برای مجرم وضع شود. مجازات تبعی شامل یکسری مجازاتها و محرومیت‌های اجتماعی است که بطور مشخص در قانون تعیین شده و به تبع صدور حکم به مجازات اصلی و به نسبت مجازات اصلی برای مدت مشخصی شامل حال محکوم می‌شود. (روزنامه حمایت، ۱۳۹۴: ۷)

آنچه در بند (۵) گذشت مربوط به مجازاتهای اصلی قاچاق ارز بود. اما قانونگذار در ق.م.ق.ک برای قاچاقچیان ارز، مجازات تکمیلی نیز در نظر گرفته است. حسب ماده (۶۹) قانون لاحق، مرجع رسیدگی کننده ذیصلاح حسب مورد میتواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازاتهای اصلی، قاچاقچی ارز را بعنوان تکمیل مجازات، به یک یا چند مورد از محرومیت‌های زیر محکوم نماید:

الف) تعلیق موقت یا ابطال دائم شمول: کارت بازرگانی؛ کارت مبادلات مرزی؛ کارت ملوانی؛ پروانه کسب، تأسیس، بهره برداری یا حق العمل کاری؛ پروانه حمل و نقل؛ گواهینامه رانندگی وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی
ب) تعطیل موقت یا دائم محل کسب و پیشه و تجارت

پ) محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرف خاص از ۱ تا ۵ سال
ت) محرومیت از تأسیس شرکت و یا عضویت در هیأت مدیره و مدیر عاملی
اشخاص حقوقی از ۱ تا ۵ سال
ث) ممنوعیت خروج از کشور تا ۵ سال.

در باب مجازاتهای تبعی نیز مطابق ق.م.ا عمل خواهد شد. این امر در ماده (۶۳) قانون اخیرالذکر بیان شده است. حسب منطوق این ماده، حکم تعدد و یا تکرار ارتکاب قاچاق و معاونت آن و مجازات تبعی و تکمیلی، مطابق ق.م.ا است.

۷. انتقادات و ابهامات وارده بر قوانین مبارزه با قاچاق ارز

قبل از ورود به بحث انتقادات وارد بر تحولات قانونی در عرصه مبارزه با قاچاق ارز بایستی گفت که، ق.م.ق.ک ۱۳۹۲ که در شرایط نوسانات جدی و تلاطم ارزی در ۱۳۹۲ تصویب گردید، حاوی مقررات سفت و سختی در رابطه با نگهداری، خرید و فروش و حواله ارز در کشور است. مقرراتی که صرفاً با توجه به شرایط ویژه ۱۳۹۲ وضع شده‌اند و بسختی قابل اجرا بنظر می‌رسند. بازگشت ثبات نسبی به بازار ارز از یکسو و توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۱+۵ از سوی دیگر لزوم بازنگری در این مقررات را ایجاب میکند؛ چراکه اگر قرار است زمینه لازم برای احیای روابط پولی و مالی بین‌المللی کشور فراهم و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ارتقا یابد، مقررات ارزی کشور نیز باید متناسب با شرایط جدید باشند. (قنبری، ۱۳۹۴: ۲۳)

۱-۷. انتقادات و ابهامات وارد بر تعریف قاچاق ارز

قاچاق کالاوارز در بند (الف) از ماده (۱) ق.م.ق.ک اینگونه تعریف شده است: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی

کشف شود.» همچنین در بند(خ) از ماده(۲) «ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت و بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی» نیز قاچاق ارز محسوب شده است. تعریف ارز نیز در بند(پ) ماده(۱) این قانون بشرح زیر آمده است: «پول رایج کشورهای خارجی اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی است که در مبادلات مالی کاربرد دارد».

باتوجه به ظاهر این عبارتها، هر نوع خرید، فروش و حواله ارز بدون کسب مجوز از بانک مرکزی قاچاق محسوب شده است. با اینحال، نباید به این ظاهر اکتفا کرد و باید خرید، فروش و حواله را صرفاً در جاییکه بانک مرکزی آن را نیازمند کسب مجوز دانسته است و بدون مجوز آن بانک صورت می‌گیرد، مشمول عبارات مزبور دانست. بعبارت دیگر، اگر در جایی بانک مرکزی خرید، فروش یا حواله ارز را نیازمند کسب مجوز ندانسته باشد، آنگاه انجام چنین کاری ولو اینکه بدون کسب مجوز از بانک مرکزی باشد، قاچاق ارز نخواهد بود.

بعنوان مثال، مسافری با بازگشت از خارج کشور، مقداری ارز(کمتر از معادل ۱۰۰۰۰ دلار اسکناس) در اختیار دارد و چون به آن احتیاج ندارد، ارز یادشده را به دوست یا همکار خود می‌فروشد، مرتکب قاچاق ارز شناخته نمی‌شود، ولو اینکه بدون کسب مجوز از بانک مرکزی این کار را انجام داده باشد؛ چراکه بانک مرکزی این‌گونه خریدوفروشها را نیازمند کسب مجوز ندانسته است و برای آن مجوزی هم اعطا نمی‌کند. مجوزهایی که بانک مرکزی اعطا می‌کند، برای کسانی است که قصد دارند شغل خود را معاملات ارزی قرار دهند؛ یعنی صرافان و بانکها که عملیات آنها فعالیت حرفه‌ای در بازار پول است. البته مناسب بود به این مطلب در قانون نیز توجه شود و هرگونه معامله ارزی(خرید، فروش و حواله) را بدون کسب مجوز از بانک مرکزی جرم تلقی نمی‌کرد و صرفاً به معاملاتی اشاره می‌کرد که نیازمند کسب مجوز از بانک مرکزی هستند. بعبارت بهتر، انشای پیشنهادی درست این ماده به این صورت میتواند باشد: «ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز در مواردی که نیازمند کسب مجوز از

بانک مرکزی است، بدون کسب مجوز مربوطه» قاچاق ارز محسوب می‌شود. قانونگذار در ماده (۷) ق.م.ق.ک احکام دیگری را مقرر داشته که این تصور را به ذهن می‌آورد؛ گویا قانونگذار قصد داشته است که از هر نوع معامله ارز جز در بازارهای رسمی جلوگیری کند و آن را مشمول عنوان قاچاق قرار دهد. «بانک مرکزی موظف است در جهت پیشگیری و کنترل بازار مبادلات غیرمجاز ارز اقدامات زیر را بعمل آورد: (الف) تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافر، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل؛ (ب) ایجاد سامانه اطلاعات مالی صرافیه‌ها و رصد و ارزیابی فعالیت آنها.» تبصره‌های این ماده نیز تکالیفی را برای بانک مرکزی و دولت مقرر می‌نمایند. براساس تبصره (۱) این ماده «دولت مکلف است ارز موردنیاز اشخاص را تامین و در صورت عدم کفایت آن بازارهای مبادله ارز آزاد را بگونه‌ای ایجاد کند که تقاضای اشخاص از قبیل ارز مسافری و عبوری از طرق قانونی تامین گردد» براساس تبصره (۲) همان ماده «عرضه و فروش ارز خارج از واحدهای مجاز تعیین شده توسط دولت بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی ممنوع است و با مرتکبان مطابق قانون رفتار میشود». تبصره (۳) نیز مقرر میدارد «دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را تعیین می‌کند».

این ماده چند ابهام دارد که تبیین آنها ضروری است. نخست؛ مفهوم دولت و بانک مرکزی در تبصره (۳) خلط شده است. درست است که دولت در مفهوم عام آن شامل بانک مرکزی نیز میشود و بانک مرکزی نیز یکدستگاه حاکمیتی است، اما باید توجه داشت که در همین قانون، وظایف بانک مرکزی و دولت جدا از یکدیگر ذکر و بنظر میرسد که مقنن به این تفکیک وظایف توجه داشته است. در قانون، هرچایی سخن از وضع ضوابط معاملات ارزی یا وضع مقررات حاکم بر ارز نام برده شده، بانک مرکزی مسوول آن دانسته شده است. با اینحال، در تبصره (۳) مقرر داشته «دولت حدود و مقررات استفاده از ارز را معین می‌کند». اگر مقصود از دولت در این تبصره، هیات وزیران و قوه مجریه باشد، آن‌گاه این پرسش مطرح خواهد شد که تعارض این تبصره با

سایر موادی که وضع مقررات حاکم بر ارز را وظیفه بانک مرکزی می‌دانند، چگونه باید حل کرد و اگر مقصود، معنای عام دولت باشد و تبصره (۳) به بخش ذیصلاح دولت؛ یعنی بانک مرکزی اشاره داشته باشد، این پرسش مطرح است که چرا مقنن در این تبصره نیز مانند سایر مواد در این قانون، از عبارت «بانک مرکزی» استفاده نکرده است.

ابهام مهمتری که براساس ماده ۷ ایجاد می‌شود اینست که آیا خرید و فروش ارز صرفاً در صرافیها و بانکها می‌تواند انجام شود یا معامله موردی ارز در خارج از صرافیها و بانکها نیز مجازست؟ همانطور که اشاره شد، عرفاً خرید و فروش ارز بطور موردی را نمیتوان مشمول عنوان قاچاق دانست و تنها در صورتیکه اینکار بصورت یک شغل و بطور مکرر انجام گیرد، میتوان آن را ممنوع و مشمول مجازات دانست. با اینحال، ظاهراً تبصره (۲) خلاف این امر را مقرر میدارد و فروش ارز را در صورتیکه خارج از واحدهای تعیین شده توسط دولت و بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی صورت گیرد، ممنوع می‌داند و نتیجه این ممنوعیت نیز براساس سایر مواد ق.م.ق.ک (از جمله ماده ۲) محکومیت مرتکب به جرم قاچاق ارز است. چنین مقرره بسیار سختگیرانه‌ای در عمل میتواند دشواریهای بسیاری را ایجاد کند. فرض کنید توریستی از خارج از کشور به ایران آمده، بخشی از ارز همراه خود را به ریال تبدیل می‌کند تا برای مخارج خود هزینه کند. حال اگر ریال مزبور تمام شود و صرافی در نزدیکی وی وجود نداشته باشد و وی بخواهد کرایه تاکسی خود تا محل صرافی را با ارز خارجی پرداخت کند، مرتکب جرم قاچاق ارز شده است و در صورت دستگیری میتوان وی را به چنین جرمی محکوم کرد. البته ممکن است گفته شود که در عمل محاکم درخصوص چنین مواردی مبادرت به صدور حکم قاچاق نمی‌کنند و چنین مواردی را قاچاق تلقی نمی‌کنند. در واقع هم محاکم از صدور چنین احکامی ابا دارند، اما باید توجه داشت که باید قانون بنحوی باشد که چنین مواردی جرم تلقی نشوند. نه اینکه قانون این عمل را جرم تلقی کرده باشد و سپس محاکم با ملاحظه معقول نبودن نتایج قانون در موارد خاص، از اجرای آن خودداری کنند.

حدس زدن اینکه چرا قانونگذار چنین رویکرد سختگیرانه را در رابطه با قاچاق ارز اتخاذ کرده است چندان دشوار بنظر نمی‌رسد. ق.م.ق.ک در ۱۳۹۲ تصویب شده است و آن زمان، مقارن با بحران جدی در بازار ارز بود، بگونه‌ای که نااطمینانی در شرایط اقتصادی باعث شده بود حتی مردم عادی نیز به خرید و نگهداری ارز اقدام کنند و به این طریق درصدد آن بودند که خود را در مقابل نوسانات آتی قیمتها در فضای امنی قرار دهند. این امر خود باعث افزایش تقاضای ارز و نوسانات بیشتر قیمت آن شد. در چنین شرایطی قانونگذار درصدد برآمد که با تصویب قانون مزبور، مانع از خرید و نگهداری ارز توسط مردم شود و حکم تبصره (۱) ماده فوق مبنی بر «تعیین و اعلام میزان ارز قابل نگهداری و مبادله در داخل کشور، همراه مسافر، همراه رانندگان عبوری و مواردی از این قبیل» باید توسط بانک مرکزی انجام شود؛ نیز از همین نوع هستند. براساس تبصره اخیر، بانک مرکزی باید مشخص کند که هرکس تا چه میزان میتواند ارز نگهداری کند و زاید بر آن، ممنوع و بالتبع قاچاق تلقی میشود. البته تاکنون بانک مرکزی اقدام به تعیین چنین میزانی نکرده است و به تعیین میزان مجاز ارز ورودی و خروجی بسنده کرده است. در عمل نیز، اجرای چنین مقرره‌ای که نوعی ارز را کالای ممنوع قلمداد میکند و تنها نگهداری میزان مشخصی را که بانک مرکزی مجاز اعلام کرده، از شمول این ممنوعیت خارج می‌کند با مشکلات فراوان همراه خواهد بود. بنظر می‌رسد با فرونشستن التهابات بازار ارز و بازگشت آرامش نسبی به بازار نیاز به بازنگری در قانون مزبور وجود دارد. همچنین توافق هسته‌ای و ورود سرمایه‌های خارجی به کشور، نیازمند آنست که در مقررات ارزی کشور بازنگری صورت گیرد و فضای مناسبی برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور فراهم شود. کشوری که در آن نگهداری ارز ممنوع بوده و خرید و فروش ارز فقط در صرافی مجاز باشد و حتی بصورت موردی نتوان چنین کاری را انجام داد، گزینه مناسبی برای سرمایه‌گذاران خارجی نخواهد بود و چنین مقرراتی فضای کسب‌وکار در کشور را سخت‌تر خواهد کرد.

۷-۲. انتقادات و ابهامات وارده بر مجازات‌های پیش‌بینی شده برای مرتکبین قاچاق

ارز

نکته مهم که باید به آن توجه کرد اینکه اگرچه قانونگذار، جرم قاچاق ارز را بشرحی که در بالا آمد بسیار موسع تعریف نموده، اما در تعیین مجازات آن رویکردی کاملاً متفاوت اتخاذ کرده است. در ماده (۱۸) قانون در خصوص مجازات قاچاق ارز قید شده که «جریمه نقدی ارز ورودی یک تا ۲ برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی ۲ تا ۴ برابر بهای ریالی آنست» پرسش اینست که جریمه ارز قاچاقی که نه ورودی است و نه خروجی و در ماده (۷) به آن اشاره شده چیست؟ قانونگذار پاسخی نداده و قانون در این خصوص ساکت است. پرسش بی پاسخ در متن قانون اینست که اگر قرار است قانونگذار، امری را جرم اعلام کند اما برای آن مجازات اعلام نکند، از این جرم‌انگاری چه سودی حاصل میشود و قضات چگونه باید براساس این قانون رای صادر کنند؟ مسلماً قاضی نمیتواند بدون نص قانونی شخصی را به مجازاتی محکوم و از سوی دیگر، صدور حکم برائت نیز با تصریح قانونگذار به جرم بودن عمل ممکن نیست. در عمل، ضبط ارز موضوع جرم میتواند تنها مجازات در نظر گرفته شده برای این عمل باشد، اما از دیدگاه دقیق حقوقی، چنین امری مجازات نیست و صرفاً تعیین تکلیف مال موضوع جرم است. عدم تعیین مجازات صریح برای قاچاق ارزی داخلی (درمقابل قاچاق ارز ورودی و خروجی) را میتوان هم قرینه‌ای بر وضع قانون برای شرایط اضطراری دانست و هم نشانه‌ای از جرم‌انگاری موسع که اصلاح آن در شرایط فعلی ضروری بنظر می‌رسد.

همچنین در ماده (۲۵) قید شده در صورتیکه ارتکاب قاچاق ارز بصورت انفرادی یا سازمان یافته بقصد مقابله با نظام ج.م.ا یا با علم به موثر بودن آن صورت گیرد، مشمول قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. حال باتوجه به شرایط حاکم بر مبادلات ارزی مابین کشورمان با سایر کشورهای دیگر که پیامد برجام میباشد، براساس این بند از قانون و باتوجه به عدم امکان انتقال ارز از طریق سیستم بانکی و الزام پرداخت هزینه‌های مرتبط با کشتیهای خارجی به ارز، کلیه شرکتهای نمایندگی

کشتیرانی که به طریقی تحریم را دور می‌زنند مفسد فی الارض خواهند بود. ابهام نقدآمیز دیگری که درخصوص مجازات قاچاقچیان ارز وجود دارد، مربوط به ماده (۵۸) ق.م.ق.ک است که صراحتاً بیان داشته: «در کلیه جرایم و تخلفات موضوع این قانون در خصوص کالا و ارز، در صورت موجود نبودن عین کالا و یا ارز قاچاق، مرتکب حسب مورد علاوه بر محکومیت به مجازاتهای مقرر، به پرداخت معادل ارزش کالا و ارز نیز محکوم می‌شود».

فارغ از اینکه قانونگذار چگونه بدون کشف ارز قاچاق، مرتکب را به قاچاق ارز متهم میکند، جای بس تأمل دارد! نکته مهم اینست؛ با فرض ثبوت اتهام موصوف، میزان ارز قاچاق شده بایستی چگونه تعیین شود تا معادل ارزش آن، مرتکب محکوم به پرداخت گردد؟ اگر منظور قانونگذار استناد به اقرار مرتکب است، همین امر نیز خالی از ایراد نیست، چراکه واگذاری تعیین میزان مجازات مالی مجرم به خودش، هیچ منطقی عقلانی و حقوقی و حتی شرعی ندارد. نه اگر منظور قانونگذار اثبات از طریق سایر ادله اثبات جرم است (شهادت، سوگند و علم قاضی) باز ابهاماتی وارد است که قابل بررسی هستند. نکته مهم دیگری هم که قانونگذار در این ماده از آن کوتاهی کرده، عدم تعیین نوع پرداختی مرتکب است که آیا شامل جزای نقدی است؟ یا جریمه نقدی؟

از نقدهایی دیگر که میتوان به این قانون نوشت، در باب مجازاتهای تکمیلی است. قانونگذار در ماده (۶۳) قانون، به صراحت هرگونه اقدام در خصوص مجازاتهای تبعی و تکمیلی، تعدد و تکرار جرم قاچاق ارز را به ق.م.ا منوط کرده است، لیکن در ماده ۶۹ ق.م.ق.ک نسبت به برشمردن مجازاتهای تکمیلی درخصوص قاچاق کالا و ارز اقدام نموده است. حال سؤال اینجاست وقتی قانونگذار در یک قانون خاص و ماده مقدمی، حکم مجازاتهای تکمیلی را به قانون اهمی موکول مینماید، چه ضرورتی داشت که در ماده موخر دیگری نسبت به تعیین مصادیق مجازاتهای تکمیلی اقدام نماید؟! در این بین تکلیف قضات محترم نیز مشخص نیست که درخصوص تعیین

مجازاتهای تکمیلی به ق.م.ا.م. مراجعه کنند یا ماده(۶۹) ق.م.ق.ک؟ با نحوه انشای و تقدم و تاخر مادتين(۶۳)و(۶۹) ق.م.ق.ک، چنین استنباط میشود که منظور قانونگذار این بوده است که قضات در تعیین مجازاتهای تکمیلی از مصادیق ماده(۶۹) مستفاد نمایند؛ لیکن شرایط، ضوابط و مقررات حاکم بر نحوه تعیین، فرآیند و ضمانتهای اجرایی لازم برای مجازاتهای تکمیلی مرتکبین قاچاق ارز، تابع ق.م.ا. باشد.

نتیجه گیری

بی شک مضار قاچاق ارز بر پیکره اقتصادی هر کشوری تدابیر لازم را برای مقابله با آن و به تعبیر قانونگذاری «مبارزه» با آن را می طلبد و هرچه که این تدابیر بیشتر منطبق با واقع باشد، مهار آن آسانتر است. نهایتاً قانونگذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و قانون اصلاح آن در ۱۳۹۴، در بند(خ) از ماده(۲) قانون قاچاق ارز را تعریف کرده است. همچنین تعریف ارز نیز در بند(پ) ماده(۱) این قانون بیان شده است. ضمانت اجرایی کیفری جرم در حکم قاچاق ارز نیز در تبصره(۲) ماده(۷) ق.م.ق.ک. ۱۳۹۴ آورده شد. همچنین براساس ماده(۱۷) دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر ارز همراه مسافر، عدم رعایت ضوابط دستورالعمل مذکور، مشمول مجازات مقرر در ق.م.ق.ک مصوب ۱۳۹۲ خواهد بود. مجازات قاچاق ارز نیز با توجه به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون مبارزه با اخلاف در نظام اقتصادی حسب مورد اعم از اینکه قاچاق ارز به قصد ضربه زدن به نظام یا بدون آن قصد، عمده باشد یا غیر عمده، سازمان یافته باشد یا نه، مرتکب قاچاقچی حرفه‌ای باشد یا نه و همچنین توسط شخص حقیقی ارتکاب یابد یا شخص حقوقی، متفاوت است. علیرغم اینکه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ و قانون اصلاح آن، قانون جامع و کاملی است لیکن دارای ابهامات و انتقاداتی است که از آن جمله میتوان به ماده(۷) اشاره کرد که احکامی را مقرر داشته است که این تصور به ذهن می آید که گویا قانونگذار قصد داشته است که از هر نوع معامله ارز جز در بازارهای رسمی جلوگیری کند و آن را مشمول عنوان

قاچاق قرار دهد. همچنین مفهوم دولت و بانک مرکزی در تبصره (۳) خلط شده است. درست است که دولت در مفهوم عام آن شامل بانک مرکزی نیز می‌شود و بانک مرکزی نیز یک دستگاه حاکمیتی است، اما باید توجه داشت که در همین قانون، وظایف بانک مرکزی و دولت جدا از یکدیگر ذکر شده و نظر می‌رسد که قانونگذار به این تفکیک وظایف توجه داشته است. ابهام مهمتری که براساس ماده (۷) ایجاد میشود اینست که آیا خرید و فروش ارز صرفاً در صرافیها و بانکها میتواند انجام شود یا اینکه معامله موردی ارز در خارج از صرافیها و بانکها نیز مجاز است؟ ظاهراً تبصره (۲) خلاف این امر را مقرر و فروش ارز را در صورتیکه خارج از واحدهای تعیین شده توسط دولت و بوسیله اشخاص و واحدهای صنفی صورت گیرد، ممنوع میداند و نتیجه این ممنوعیت نیز براساس سایر مواد ق.م.ق.ک (از جمله ماده ۲) محکومیت مرتکب به جرم قاچاق ارز است. چنین مقرر بسیار سختگیرانه در عمل میتواند دشواریهای بسیاری را ایجاد کند. نکته مهم اینست که اگرچه قانونگذار، جرم قاچاق ارز را بسیار موسع تعریف کرده است، اما در تعیین مجازات آن رویکردی کاملاً متفاوت اخذ کرده است. در ماده (۱۸) قانون در خصوص مجازات قاچاق ارز قید شده «جریمه نقدی ارز ورودی یک تا ۲ برابر بهای ریالی آن و جریمه نقدی ارز خروجی ۲ تا ۴ برابر بهای ریالی آنست» پرسش اینست که جریمه ارز قاچاقی که نه ورودی است و نه خروجی و در ماده (۷) به آن اشاره شده چیست؟ قانونگذار هیچ پاسخی به این پرسش نداده و قانون در این خصوص ساکت است. همچنین در ماده (۲۵) قید شده در صورتیکه ارتکاب قاچاق ارز بصورت انفرادی یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام ج.م.ا یا با علم به موثر بودن آن صورت گیرد، مشمول قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور میشوند. حال باتوجه به شرایط حاکم بر مبادلات ارزی مابین کشورمان با سایر کشورهای دیگر که پیامد برجام میباشد، براساس این بند از قانون و باتوجه به عدم امکان انتقال ارز از طریق سیستم بانکی و الزام پرداخت هزینه‌های مرتبط با کشتیهای خارجی به ارز، کلیه شرکتهای نمایندگی کشتیرانی که بطریقی تحریم را دور میزنند مفسد فی الارض خواهند

بود. ابهام نقدآمیز دیگری که درخصوص مجازات قاچاقچیان ارز وجود دارد، مربوط به ماده (۵۸) ق.م.ق.ک است که صراحتاً بیان داشته: «در کلیه جرایم و تخلفات موضوع این قانون در خصوص کالاوارز، در صورت موجود نبودن عین کالا و یا ارز قاچاق، مرتکب حسب مورد علاوه بر محکومیت به مجازاتهای مقرر، به پرداخت معادل ارزش کالاوارز نیز محکوم میشود» فارغ از اینکه قانونگذار چگونه بدون کشف ارز قاچاق، مرتکب را به قاچاق ارز متهم میکند، جای بس تأمل دارد! نکته مهم اینست با فرض ثبوت اتهام موصوف، میزان ارز قاچاق شده بایستی چگونه تعیین شود تا معادل ارزش آن، مرتکب محکوم به پرداخت گردد؟

نقد دیگر، درباب مجازاتهای تکمیلی است. قانونگذار در ماده (۶۳) قانون موصوف، بصراحت هرگونه اقدام درخصوص مجازاتهای تبعی و تکمیلی، تعدد و تکرار جرم قاچاق ارز را به ق.م.ا منوط داده است، لیکن در ماده (۶۹) ق.م.ق.ک نسبت به برشمردن مجازاتهای تکمیلی در خصوص قاچاق کالا و ارز اقدام نموده است. حال سؤال اینجاست وقتی قانونگذار در یک قانون خاص و ماده مقدمی، حکم مجازاتهای تکمیلی را به قانون اهمی موکول مینماید، چه ضرورتی داشت که در ماده موخر دیگری نسبت به تعیین مصادیق مجازاتهای تکمیلی اقدام نماید؟!

منابع

۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ و اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴
۲. قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۳. لایحه قانونی شورای انقلاب راجع به ارزشها و طلاجات و جواهراتی که توسط سازمانها از مسافرین و یا قاچاقچیان به هنگام ورود و یا خروج و یا در داخل کشور کشف و ضبط میشوند مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۵
۴. قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۵. قانون اصلاح قانون انحصار تجارب خارجی مصوب ۱۳۱۱/۰۴/۱۹
۶. حاجی ده آبادی، محمدعلی و تقی زاده، مریم السادات و عطارزاده، سعید (۱۳۹۲)؛ *مجرمان حرفه‌ای در پرتو یافته‌های جرم‌شناختی و سیاست کیفری ایران*؛ فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۱۴
۷. خسروی، عبدالحمید (۱۳۹۳)؛ *پول، ارز و بانکداری*؛ تهران: انتشارات خردمندان، چاپ سیزدهم
۸. ساکی، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ *حقوق کیفری اقتصادی*؛ تهران: انتشارات جنگل
۹. ستوده گندشمین مجتبی و عالیزاده، موسی (۱۳۹۴)؛ *مقدمه‌ای بر مبانی اطلاعات جنایی*؛ تهران: انتشارات کارآگاه، چاپ اول
۱۰. ضیایی، منوچهر (۱۳۷۲)؛ *مجموعه قوانین پولی و بانکی*؛ تهران: چاپخانه سازمان برنامه و بودجه
۱۱. کریمی، حسن (۱۳۹۵)؛ *اهمیت مبارزه با قاچاق در تحقق اقتصاد مقاومتی*، روزنامه حمایت، شماره ۱۲۰۳۱ مورخه ۱۳۹۵/۰۲/۰۷
۱۲. قنبری، حمید (۱۳۹۴)؛ *بازتعریف قاچاق ارز در پساتحریم*؛ روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۵۹۱، مورخه ۱۳۹۴/۰۷/۰۷
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۸)؛ *فرهنگ فارسی عمید*؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و ششم
۱۴. غلامی، حسین (۱۳۸۲)؛ *تکرار جرم بعنوان حرفه مجرمانه*؛ مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، شماره ۶۲، صص ۳۱۵-۲۵۸

۱۵. عباسی، حمید (۱۳۹۵)؛ *سیاست کیفری ایران علیه جرایم اقتصادی*؛ فصلنامه تحقیقات

جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱-۲۴

۱۶. متین، احمد (۱۳۹۵)؛ *مجموعه رویه قضایی شامل: آراء شعب و هیئتهای عمومی*

دیوانعالی کشور؛ تهران: انتشارات رهام، چاپ پنجم

۱۷. نقدی، ابراهیم و گلی، رضا (۱۳۹۲)؛ *محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز*؛ چاپ

اول اسفند، تهران: انتشارات مسیر دانشگاه

۱۸. نوریها، رضا (۱۳۹۵)؛ *زمینه حقوق جزای عمومی*؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ

سی و سوم

۱۹. نوری، جعفر (۱۳۸۲)؛ *مجموعه قوانین و مقررات مربوط به جرایم قاچاق کالا و ارز*؛

تهران: نشر میزان

۲۰. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۴)؛ *نگاهی به خلاء قانونی و کاستی های کاربردی قوانین*

راجع به قاچاق کالا و ارز؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، دوره اول، صص ۱-۲۱

21. Boal, John, (2005), "Theft, Professional", Editor: J.Mitchell.Miller & A.Wright. Richard. Encyclopedia of criminology, vol 3.